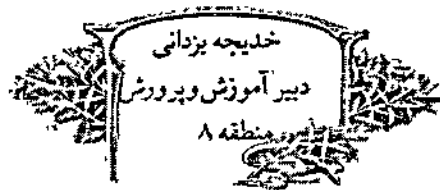


انواع روش‌های آموزشی نوین و کاربرد آن‌ها در آموزش قرآن با چه روش‌هایی قرآن کریم را آموزش دهیم



روش الگویی

یکی از راه‌های متداول یادگیری به ویژه در مورد کودکان، روش تقلیدی یا سرمشق‌گیری است. انسان از آغاز خلقت، از طریق سرمشق‌گیری و آموختن راه و روش زندگی اجتماعی، از سایر انسان‌ها و حتی از حیوانات چیزهای زیادی آموخته است. در این شیوه یادگیری، با الگو و سرمشق در مقابل فرد قرار می‌گیرد، و یا فرد خود آن را انتخاب می‌کند و به تقلید از رفتار او می‌پردازد. این روش را هم در جهت آموزش مطالب تازه و هم در جهت اصلاح رفتارهای آموخته شده می‌توان به کار برد. در کاربرد این روش به دو نکته مهم باید توجه داشت: نخست این که بین سرمشق و سرمشق‌گیرنده باید نوعی سنخیت یا شباهت وجود داشته باشد؛ مانند سن، سال تحصیلی، علاقه، وضع ظاهری و تجربه. دیگر این که شخصی که سرمشق واقع می‌شود، باید از مهارت و اعتبار زیادی برخوردار باشد [سیف، ۱۳۷۸: ۲۴۸].

برای مثال در آموزش قرآن، چنانچه سرمشقی به دانش‌آموزان عرضه می‌شود، بهتر آن است که یکی از نوجوانان یا جوانان هم‌سن و سال آنان باشد. برای دختران سرمشقی از قاریان دختر و برای پسران نیز سرمشقی

کتابخانه
موسسه
تربیتی
و
پژوهشی
فصلنامه
آموزش و پرورش
شماره ۱۷۲۵۱
پاییزه ۱۳۷۸

از قاریان پسر انتخاب شود. نکته‌ی مهم این است که سرمشق از میان کسانی باشد که در مسابقات قرانت نیز، مقام‌هایی کسب کرده و از اعتبار کافی و قابل قبولی برخوردارند.

به کارگیری این روش حداقل دو امتیاز مهم دارد: اول، نمونه‌ی کاملی از رفتاری که قرار است آموخته شود، در اختیار یادگیرنده قرار می‌گیرد. و دوم، فراگیرنده نیازی به آزمایش و خطا ندارد؛ چرا که سرمشق کاملی در اختیار دارد.

معلم‌ان همواره به عنوان یک الگوی قابل اعتماد و شاخص، مورد توجه شاگردان هستند. از این نظر، معلم‌ان درس قرآن خود باید کاملاً با قواعد قرآنی به صورت نظری و عملی آشنایی داشته باشند.

هم‌چنین، معلم‌ان آگاه می‌توانند از دانش آموزان ممتاز کلاس که تلاوت قابل قبولی دارند، به عنوان الگو برای دانش آموزان کلاس استفاده کنند. استفاده از نوارهای صوتی و تصویری استادان قرآن در کلاس، به خصوص نوجوانان و جوانانی که در مسابقات کشوری و بین‌المللی مقام‌هایی کسب کرده‌اند، می‌تواند الگوی خوبی به قرآن‌آموزان معرفی کند.

فراهم کردن فرصت و امکان تمرین و تکرار سرمشق‌ها در کلاس ضروری است؛ به گونه‌ای که معلم اطمینان پیدا کند، قرآن‌آموزان به طور کامل تقلید از سرمشق را فرا گرفته‌اند و می‌توانند نکات قرآنی را درست اجرا کنند. از این روش به صورت مستقل، فقط در سنین پیش‌دبستانی می‌توان استفاده کرد، که آن‌هم با داستان‌گویی و بازی و استفاده از رسانه‌های آموزشی همراه است. در سایر دوره‌های سنی نیز بهتر است از این روش به صورت مکمل برای تنوع بخشیدن به کلاس و تثبیت و تعمیق یادگیری استفاده شود. البته این روش جزو روش‌های سنتی و تاریخی هم هست. از همان ابتدای بعثت، قرآن به صورت الگویی (الگوی حسنه) تعلیم داده می‌شد و امروزه به عنوان روش نوین مطرح است.

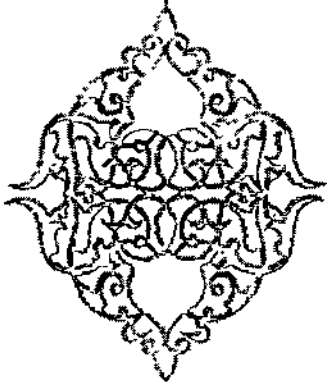
روش داستان‌گویی

یکی از روش‌های یاددهی و یادگیری که به صورتی اعجاز‌انگیز در ذهن و روح انسان نفوذ می‌کند و او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، داستان‌سرایی است که از دیرباز به عنوان ابزاری مؤثر برای آموزش غیرمستقیم مفاهیم گوناگون، مورد توجه و استفاده‌ی مربیان و معلم‌ان بوده است [یوسف / ۱۱۱]. در قرآن نیز این روش بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. پروردگار متعال که خود تمایل به شنیدن داستان را در فطرت انسان قرار داده است، تأثیر داستان را در دل‌ها می‌داند و آن را به عنوان وسیله‌ای برای تربیت انسان‌ها در اکثر سوره‌های قرآن به کار گرفته است. در مورد کیفیت و نقش داستان‌سرایی در قرآن می‌توان گفت:

۱. نقل داستان در قرآن برای عبرت، پند و آموزش است.
 ۲. تمام داستان‌های قرآن واقعی است و هیچ‌گونه دروغ و افتزایی در آن راه ندارد. اصولاً کلمه‌ی «قصص» بر وزن «عَسَس» که در قرآن کریم پنج بار به کار رفته است، به معنی رمان یا حوادث خیالی نیست، بلکه به معنی سرگذشت و ماجرای واقعی است.
 ۳. قرآن در داستان‌ها حقایق امور را بیان می‌کند و به تجزیه و تحلیل روشنگری آن‌ها می‌پردازد.
 ۴. داستان‌های قرآن برای کسانی که به خداوند ایمان دارند، موجب هدایت و رحمت است.
- از این روش در تدريس قرآن بیشتر برای سنين پايين می‌توان استفاده کرد و در بعضی از مهدهای قرآن از این روش استفاده می‌شود.

روش نمایشی

... «و اذ قال ابراهيم رب ارنى كيف تحى الموتى قال اولم تؤمن قال بلى و لكن ليطمئن قلبى قال فخذ اربعة من الطير فصهرن اليك ثم اجعل على كل جبل منهن جزءاً ثم ادعهن يأتينك سعياً و اعلم ان الله عزيز حكيم» [بقره / ۲۶۰]؛ [یاد کن] آن‌گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا! به من نشان ده که چگونه

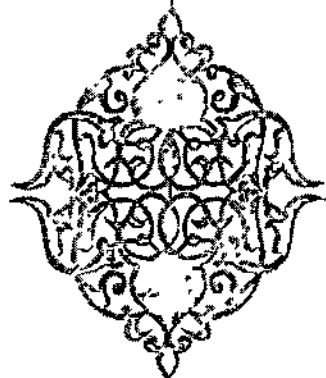


مردگان را زنده می‌کمی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس چهار پرنده بزرگبر و آن‌ها را پیش خود ریز ریز گردان. سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آن‌ها را قرار ده. آن‌گاه آن‌ها را فراخوان؛ شتابان به سوی تو می‌آیند و بدان خداوند توانا و حکیم است.»

به نمایش در آوردن اشیای پدیدینه‌های مرتبط با موضوع آموزش، یکی از روش‌های آموزشی است که همواره مورد توجه معلمان و مربیان بوده است. در این روش، دانش‌آموزان مهارت‌ها، مفاهیم یا موضوع‌های خاصی را با روش نمایش یا رسانه‌های آموزشی دیداری و یا کاربردی فرا می‌گیرند و گاهی نیز، ضمن مشاهده از طریق دستکاری رسانه‌های کاربردی، به تجربه و آزمایش می‌پردازند و از این راه، مفاهیم و هدف‌های آموزشی را بهتر و دقیق‌تر می‌آموزند [سرای، ۱۵۷].

در آیات فوق، خداوند با به نمایش گذاشتن زنده شدن پرندگان که توسط حضرت ابراهیم (ع) کشته شده و اجزای آن‌ها با هم مخلوط شده بود، سؤال وی را در مورد چگونگی زنده شدن مردگان پاسخ می‌گوید، تا درک و دریافت او را در این زمینه کامل کند و به جان و روان او آرامش بخشد.

در روش نمایشی به‌طور معمول باید از مهارت‌های توضیح و سخن‌رانی نیز استفاده کرد؛ چرا که معلم ابتدا باید هدف‌های آموزشی را به دانش‌آموزان عرضه کند و سپس با نشان دادن ابزارها و رسانه‌های دیداری مرتبط با آن هدف‌ها، درباره‌ی هر کدام و نوع ارتباط با موضوع درس، در حد لزوم برای دانش‌آموزان توضیح دهد. با این روش، هم می‌توان از طریق به‌کار گرفتن وسایل و پدیدینه‌های طبیعی و حقیقی، کسب تجربه‌های مستقیم را فراهم کرد، و هم می‌شود موضوع‌ها و مفاهیمی را که به‌صورت



معلم ابتدا باید هدف‌های آموزشی را به دانش‌آموزان عرضه کند و سپس با نشان دادن ابزارها و رسانه‌های دیداری مرتبط با آن هدف‌ها، درباره‌ی هر کدام و نوع ارتباط با موضوع درس، در حد لزوم برای دانش‌آموزان توضیح دهد.

مستقیم در دست‌رس یا قابل مشاهده و درک حسی نیستند، از طریق واسطه‌ها (رسانه‌های آموزشی دیداری و کاربردی) و کسب تجربه‌های غیرمستقیم به فراگیرندگان آموخت.

روش اکتشافی

مجموعه پیشرفت‌هایی که از آغاز تاکنون نصیب انسان شده، در نتیجه‌ی جست‌وجوگری و تلاش برای درک راز و رمز خلقت و کشف حقایق عالم وجود بوده که خداوند متعال در فطرت انسان به ودیعت گذاشته است. آن‌چه که اسان خود در اثر تجربه و تلاش و تحقیق کسب می‌کند، بهتر و عمیق‌تر در روح و ذهنش جای می‌گیرد. این روش مناسب نوآموزان مستعد و تواناست.

در آیه‌ی ۲۶۰ سوره‌ی بقره بنا به برخی روایات، حضرت ابراهیم (ع) قبل از دوران نبوت، و احتمالاً در آغاز بلوغ در معرض آزمایش و تحقیق قرار می‌گیرد، تا خود به کشف حقیقت یکتایی پروردگار نایل آید و در این زمینه به یقین کامل برسد. وی چند پیش‌فرض را در نظر می‌گیرد:

- الف) ستاره خداست.
- ب) ماه خداست.
- ج) خورشید خداست.

و چون این هر سه را مغلوب قوانین می‌بیند، به کشف حقیقت اصلی که یکتایی خداوند متعال است، نایل می‌آید. در روایتی که محمدبن مسلم از امام جعفر صادق (ع) نقل کرده، آمده است: «ابراهیم این سخن را به عنوان تحقیق گفت و هرگز سخن او کفر نبود و هر کسی از مردم به عنوان تفکر

و تحقیق این سخن را بگوید، همانند ابراهیم است [مکارم شیرازی، ج ۵: ۳۱۲].

در فرایند یادگیری اکتشافی نیز دانش آموز به طور مستقل، با راهنمایی یا بدون راهنمایی معلم از طریق جست و جو و تمرین و تلاش، اصل یا قانونی را کشف، یا مسئله ای را حل می کند. روش اکتشافی در آموزش به دو صورت به کار می رود:

الف) هدایت شده

ب) هدایت نشده

در صورت اول، یادگیرنده به اندازه ای کافی استقلال عمل دارد، اما معلم بر کار او نظارت می کند و هر جا به کمک نیاز داشته باشد، متناسب با استعداد، دانش و مهارت شاگرد، و درجه ی دشواری موضوع، او را یاری می دهد. در صورت دوم، معلم اصول و قواعد و راه حل ها را به شاگردان نمی گوید و فقط آن ها را با مسئله ی مورد نظر مواجه می کند تا آن ها از طریق تجربه و تکرار، مسئله را حل کنند [صفوی، ۱۲۰].

روش تسلط آموزی

یکی از فنون موفقیت آمیز در امر یادگیری، روش یادگیری «تسلط یاب»، «در حد تسلط» یا «تسلط آموزی» است. این شیوه ی یادگیری بر این نظر استوار است که تمام دانش آموزان عملاً می توانند، همه ی آنچه را که به آن ها آموزش داده می شود، به خوبی یاد بگیرند. ولی زمان لازم برای تسلط یافتن

معلم باید محتوای درس را به یک رشته واحد آموزشی یادگیری تقسیم کند، به گونه ای که هر واحد در برگزیده ای تعدادی هدف آموزشی باشد. تسلط یافتن فراگیرنده بر این رشته تکالیف، به تسلط یابی او بر کل هدف های آموزشی منجر خواهد بود.

روی مطالب برای افراد مختلف، متفاوت است.

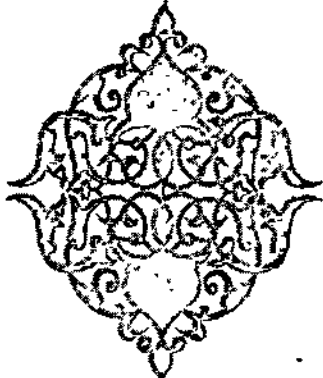
در این روش، معلم باید محتوای درس را به یک رشته واحد آموزشی یادگیری تقسیم کند؛ به گونه ای که هر واحد در برگزیده ای تعدادی هدف آموزشی باشد. تسلط یافتن فراگیرنده بر این رشته تکالیف، به تسلط یابی او بر کل هدف های آموزشی منجر خواهد بود. با این روش، معلم می تواند هم زمان لازم برای تسلط یافتن شاگردان را به دست آورد، و هم مشکلات مربوط به شرایط آموزشی و شیوه ی تدریس را حل کند.

برای تدریس قرآن با روش تسلط یاب می توان از این الگو پیروی کرد: با توجه به مراحل تدریس این روش، فرض می کنیم قرار است «روش های انس با قرآن» بر اساس راهبرد تسلط یاب تدریس شود. در مرحله ی اول، معلم باید هدف های آموزشی درس را به صورت هدف های رفتاری تعیین و تدوین کند. یدین منظور، باید درس مذکور به چند واحد (قسمت) تقسیم شود:

واحد اول: مهارت خواندن قرآن کریم

هدف های رفتاری: دانش آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. توانایی ترکیب حروف و حرکات
۲. آشنایی با نمادهای خاص رسم الخط قرآن کریم
۳. توانایی خواندن کلمات و عبارات به صورت بخش، بخش (وجود کمی مکث میان هر بخش)
۴. توانایی خواندن کلمات کلمات و عبارات به صورت شمرده و آرام (بدون مکث میان بخش ها)
۵. کسب تدریجی مهارت روان خوانی قرآن کریم



واحد دوم: درک معنای عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم
هدف های رفتاری: دانش آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. آشنایی با معنای کلمات ساده و پرکاربرد قرآن کریم
 ۲. آشنایی با برخی از نکات و قواعد ساده ترجمه عبارات قرآنی
 ۳. توانایی معنا کردن ترکیب ها و عبارات کوتاه قرآنی
 ۴. توانایی معنا کردن عبارات و آیات ساده و پرکاربرد قرآن کریم
- واحد سوم: تدبیر در آیات قرآن کریم

هدف های رفتاری: دانش آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. آشنایی با ضرورت و اهمیت تدبیر در آیات
۲. آشنایی با روش های تدبیر در آیات قرآن کریم
۳. توانایی تدبیر در آیات و درک ارتباط آن ها با هم

واحد چهارم: انس با قرآن کریم

هدف های رفتاری: دانش آموزان پس از پایان این قسمت باید قادر باشند:

۱. علاقه به خواندن مستمر قرآن کریم
۲. انجام سنت حسنه خواندن روزانه قرآن کریم همراه با درک معنا و تدبیر در آیات

در پایان تدریس درس انس با قرآن کریم، معلم ضمن طرح سؤالات مربوط به ارزش یابی نهایی، از یک طرف حد تسلط هر کدام از دانش آموزان را در موضوع درس ارزش یابی می کند و تفاوت های فردی بین آنان و زمانی را که آن ها برای رسیدن به حد تسلط نهایی نیاز دارند، مشخص می کند، و از طرف دیگر، مشکلات مربوط به شرایط آموزشی و شیوه ی تدریس را مورد شناسایی قرار می دهد.

روش بحث گروهی

بحث گروهی روشی تعاملی است که در ارتباط با موضوع عرضه شده توسط مدرس، تبادل افکار را امکان پذیر می سازد. در بحث گروهی باید از رهنمون های معینی پیروی کرد تا هر فرد بتواند افکار خود را برای دیگران بازگو کند، افکار دیگران را بشنود و درباره آن به بحث پردازد آن را تحلیل و بررسی نماید و هدف های آموزشی را دریافت کند.

معلم باید موضوع بحث را که فرض می کنیم «تدبیر و موارد آن در قرآن» است، برای دانش آموزان مطرح می سازد. به منظور روشن کردن موضوع و این که دانش آموزان اطلاعات لازم در این زمینه را به دست آورند، خوب است:

● کتاب یا مقاله ای برای آشنایی دانش آموزان با موضوع به آنان معرفی کند و از آن ها بخواهد، به منظور آمادگی در بحث آن را مطالعه کنند.

● چند نوار از استادان درباره تدبیر متفاوت به دانش آموزان معرفی کند تا با گوش کردن به آن ها، عملاً با موضوع بحث آشنا شوند. برای قرآن آموزان توضیح دهد، هدف آن است که راجع به تدبیر و موارد آن با یکدیگر بحث و تبادل نظر کنند.

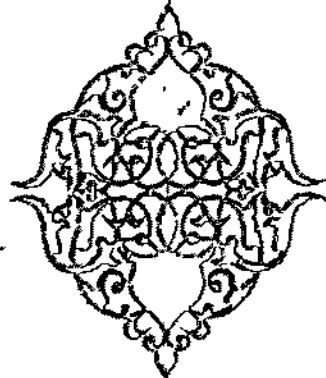
● درباره ی «روان خوانی و مفاهیم» که پیش نیاز بحث تدبیر هستند، از دانش آموزان سؤالاتی پرسد (ارزش یابی اولیه) و آن ها را برای بحث پیرامون موضوع آماده کند.

در این مرحله اقدامات زیر ضروری به نظر می رسند:

۱. طرح سؤالاتی درباره ی موضوع تدبیر:

مانند:

● تدبیر چیست و چگونه انجام می شود؟



روش تدریس

○ انجام تدبیر در تلاوت قرآن چه تأثیری دارد؟

○ در چه مواردی رعایت تدبیر ضرورت دارد؟

۲. ایجاد فرصت برای قرآن‌آموزان تا درباره‌ی سؤالات مطرح شده یا هم به بحث و تبادل نظر بپردازند. معلم باید بر چگونگی بحث نظارت داشته باشد.

روش ایفای نقش

یکی دیگر از روش‌های فعال و بسیار مؤثر یاددهی و یادگیری، روش ایفای نقش است. در این روش، فرد در شرایطی خاص و در راستای اهداف آموزشی، نقشی را عهده‌دار می‌شود و ضمن اجرای نقش، مطالب مورد نظر را فرامی‌گیرد. به تعبیری دیگر، «ایفای نقش عبارت است از تعامل میان اعضای یک گروه یادگیری که درباره‌ی طرح و یا چاره‌جویی برای یک مسئله، موقعیت یا حادثه، به بازنگری می‌پردازند. به این معنی که ایفای نقش، رفتاری است واقع‌گرا در موقعیت‌های تخیلی و وسیله‌ای برای ایجاد باور داشت (درک عمیق) یک موضوع [همان، ص ۱۶۴].

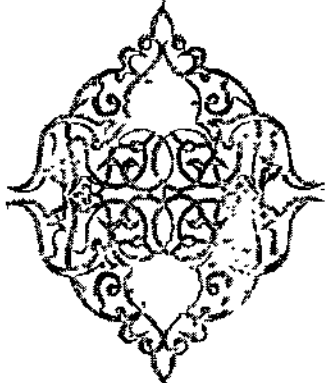
در تدریس قواعد قرائت قرآن باید حروف و علائم قرآنی را به عنوان شخصیت‌های نمایشنامه که هر کدام ویژگی‌های مشخص و نشان‌دهنده‌ی یک سلسله قوانین قرائتی هستند، معرفی کرد و نقش هر کدام از حروف و علائم را نیز به دانش‌آموزان داوطلب داد. لازم به ذکر است، برای اجرای نقش‌ها نیازی به آشنایی با هنرهای نمایشی نیست. همین قدر که دانش‌آموزان بتوانند در نقش یکی از شخصیت‌ها ظاهر شوند و ویژگی‌های او را در گفتار و رفتار خود نشان دهند، کافی است. ضمن اجرای این شیوه، هم نقش‌آفرینان کاملاً قوانین و روابط قواعد قرائت را متوجه می‌شوند، چون خود را با آن ویژگی‌ها هماهنگ می‌کنند، و هم تماشاگران ضمن ارتباط عاطفی با ایناگران نقش‌ها، خود را در صحنه احساس می‌کنند و یادگیری بهتر و مؤثرتر خواهد بود. چنانچه معلم بخواهد درسی را با روش ایفای نقش تدریس کند، لازم است مراحل زیر را مورد توجه قرار دهد:

۱. تعیین موضوع و نوشتن آن به صورت نمایش‌نامه.
۲. فراهم کردن شرایط و وسایل لازم برای اجرای نمایش.
۳. تعیین نقش‌هایی که باید ایفا شوند.
۴. آماده کردن افراد برای اجرای نقش (تمرین و تکرار).
۵. توضیح مختصر پیرامون موضوع و هدف نمایش برای شاگردان.
۶. اجرای نمایش‌نامه.
۷. بحث درباره‌ی محتوا و چگونگی اجرای نقش‌ها و ارزش‌یابی نهایی.

روش برنامه‌ای (گام به گام)

«الرحمن» (۱) علم القرآن (۲) خلق الانسن (۳) علمه الیسان (۴) الشمس والقمر بحسبان (۵) والنجم والشجر يسجدان (۶) [الرحمن / ۱-۶]: خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود. انسان را آفرید و به او بیان را تعلیم داد. خورشید و ماه بر طبق حساب معینی می‌گردند و گیاه و درخت برای او سجده می‌کنند.

روش آموزش برنامه‌ای، یک روش آموزش انفرادی است که معلم یا به‌کارگیری آن، می‌کوشد یادگیری را با نیازها و توانایی‌های شاگردان هماهنگ سازد. در این روش مواد آموزشی به واحدهای کوچک تقسیم می‌شوند که هر کدام یک «چارچوب» یا «گام» نامیده می‌شود. در هر گام، قسمتی از مجموعه‌ی اهداف آموزشی مطرح می‌شود که باید فراگیرنده از طریق درک و فهم آن، ابتدا به هدف



رفتاری آن چارچوب دست یابد، و در نهایت پس از اتمام مجموعه‌ی قسمت‌ها و چارچوب‌ها، همه‌ی اهداف آموزشی را درک و دریافت کند.

در هر کدام از آیات فوق، خداوند متعال هدف‌های آموزشی متفاوت، اما هم‌جهت را مطرح فرموده است. نام مقدس «رحمان» که رمزی از رحمت و اوسع‌ی اوست و بعد از نام «الله»، گسترده‌ترین مفهوم را در میان نام‌های پروردگار دارد، به عنوان اولین گام در تعلیم قرآن و نخستین و مهم‌ترین لطف و رحمت خدا نسبت به انسان، به عنوان گام بعدی مطرح شده است. آفرینش انسان، گل سرسبد هستی و مبارک‌ترین جلوه‌ی وجود، هدف آموزشی بعدی است. تعلیم بیان به انسان که با توجه به گستردگی مفهوم بیان، علاوه بر سخن گفتن، به نوشتن و خط و انواع استدلال‌های عقلی و منطقی نیز اشاره دارد، از دیگر اهداف آموزشی مطرح شده است.

تا این‌جا انسان و ویژگی‌های درونی او مورد توجه قرار گرفته‌اند، اما در آیات بعد، نعمت‌های بیرونی که در برابر چشم قرار دارند، به تصویر کشیده شده‌اند. در گام‌های بعدی خورشید، ماه، گیاه، درخت و نظم دقیقی که بر حرکت آن‌ها حاکم است، با توجه به اهمیت و نقشی که در تأمین نیازهای حیاتی انسان ایفا می‌کنند، مطرح شده‌اند [مکرم شیرازی، ج ۲۳: ۹۵].

چنانچه معلم بخواهد قرآن را با روش آموزش برنامه‌ای تدریس کند، با توجه به مراحل اجرای این روش آموزشی باید به ترتیب زیر عمل کند:

الف) انتخاب واحد درسی: برای مثال، معلم یا برنامه‌ریز درسی، قرآن را به عنوان واحد درسی مورد نظر انتخاب می‌کند.

ب) تهیه‌ی ریز مواد درسی: به این منظور معلم یا برنامه‌ریز درسی باید بر اساس کتاب‌های معتبر، ریز مواد درسی را که در یک دوره‌ی آموزشی قرار است تدریس شود، مشخص و تنظیم کند. ج) تعیین هدف‌های نهایی آموزشی در قالب هدف‌های رفتاری: در این بخش باید واحد درسی به اجزای کوچک‌تر که هر جزء قابل تدریس در یک جلسه‌ی درسی باشد، تقسیم شود و برای موضوع هر جلسه‌ی درس، هدف‌های آموزشی آن در قالب هدف‌های رفتاری تدوین گردد. برای مثال، چنانچه موضوع درس در یک جلسه تدریس، «آموزش مفاهیم» باشد، در پایان جلسه‌ی درس، قرآن‌آموزان باید قادر باشند:

۱. آموزش مفاهیم را تعریف کنند.

۲. کلمات را ترجمه کنند

۳. کلمات را در متن ترکیبات و عبارات ترجمه کنند.

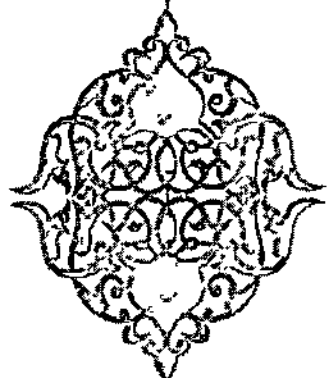
د) مشخص کردن رفتارهای ورودی مورد نیاز: در این قسمت معلم باید سؤالاتی را برای ارزش‌یابی از درس قبلی که پیش‌نیاز این درس است، تهیه کند و قبل از شروع درس جدید، مطمئن شود که دانش‌آموزان درس قبلی را فهمیده‌اند.

روش کنایه (نمادین)

یکی از روش‌های آموزشی که در تدریس قرآن هم مطرح است، روش «نماد سازی» است که شباهت زیادی به روش داستان‌گویی دارد. البته در این روش، قواعد به عنوان نمادهایی کنایه‌ای مثل دوستی، ایثار و غیره معرفی می‌شوند تا در ذهن قرآن‌آموز باقی بمانند. در ساختن نمادها می‌توان از خود دانش‌آموزان نیز کمک گرفت که این امر موجب فعال شدن کلاس درس و بالا رفتن کیفیت آموزش خواهد شد.

ویژگی‌های روش کنایه عبارت‌اند از:

۱. معرفی بعضی از ارزش‌ها در ضمن معرفی نمادها.



تدریس قرآن
روش‌های نوین

۲. جلب توجه دانش آموزان به وسیله ی نمادها.

۳. ایجاد تنوع و جاذبه در کلاس.

۴. فعال کردن ذهن دانش آموزان در تطبیق نمادها با کلمات.

۵. فعال کردن ذهن دانش آموزان در ساختن نمادهای جدید و بالطبع فراگیری بهتر قواعد.

در این روش باید حتی الامکان از نمادهای مثبت استفاده کرد و از بیان مطالب و نمادهایی که اثر منفی در ذهن دانش آموزان می گذارند، اجتناب ورزید.

نمونه ی تدریس به روش کسایه بر اساس الگوی ایثار و از خودگذشتگی چنین است که به دانش آموزان گفته می شود: بچه ها این حرف را می شناسید: این حرف خیلی مهمی است و ویژگی های متفاوتی دارد. یکی از ویژگی های این حرف ایثارگری آن است. بچه ها اصلاً می دانید ایثار و ایثارگری یعنی چه؟ آیا بین شماها کسی معنی این لغت را می داند؟

آن گاه معلم با کمک دانش آموزان، معنی و مفهوم ایثار و ایثارگری را با آوردن مثال های خوب، واضح و روشن می سازد. سپس می گوید: خوب بچه ها، حالا که فهمیدید ایثارگری یعنی چه، برمی گردیم سراغ آقای «همزه وصل» که گفتیم یکی از ویژگی های او ایثارگری است. این حرف هرگاه قرار باشد دو کلمه به یکدیگر برسند خودش را از یاد می برد و برای تقویت برادرانش ایثار می کند و به ایشان می پیوندد و دیگر اصلاً تلفظ نمی شود. عجیب حرف بی تکبری است! هر حرف دیگری بود، راضی به این از خودگذشتگی نمی شد و می گفت: تخیر، من خودم بهتر از دیگران هستم. چرا من حذف شوم و آن ها قوی تر شوند و این خصوصیت را هر حرفی که ندارد. این ویژگی های یک حرف خوب است. البته -- همان طور که گفتیم، ویژگی های دیگری هم مثل تواضع، فروتنی و... دارد.

قاعده گویی (فرمول ساختن)

این روش از جمله سهل التوصل ترین روش ها برای آموزش مطالب تئوریک است. در روش قاعده گویی، مطالب و دروس در قالب فرمول ها بیان می شوند و به سبب اختصار این فرمول ها، بهتر می توان آن ها را حفظ کرد.

معلم در برخورد با موارد کاربردی، فوراً فرمول را با مورد تطبیق می دهد و قاعده را اجرا می کند. البته از آن جا که فهم مطالب با این روش به تحلیل ذهنی و تطبیق عملی نیاز دارد، این روش در مقاطع سنی بالاتر از دوره ی اول دبیرستان و مخصوصاً در مورد بزرگسالان با سواد، و اصولاً در کلاس های افرادی با سطوح سنی بالا که علاقه ی وافری به فراگیری هر چه سریع تر دارند، کاربرد دارد. بنابراین، در کلاس هایی که جنبه ی ایجاد جاذبه دارند و یا مخاطبان کم سن و سال هستند، بهتر است از روش های دیگر، و یا حداقل از روش های دیگر در کنار روش قاعده گویی استفاده شود.

نمونه ای از تدریس به این روش چنین است: درس امروز بیان احکام «میم ساکن» است. میم ساکن در برخورد با ۲۸ حرف عربی دارای سه حکم متفاوت است که به ترتیب عبارت اند از:

۱. ادغام: میم ساکن + میم متحرک = میم مشدد. مثال: انتم منه = انتمنه.

۲. اخفاء: میم ساکن + حرف باء = اخفاء میم. مثال: کتتم به.

۳. اظهار: میم ساکن + مابقی حروف. مثال: کتتم امراناً.

تذکر: هنگام اظهار میم در کنار دو حرف «فاء» و «واو» باید تأکید بیشتر شود. لازم است معلم هنگام بیان هر قاعده، روش انجام ادغام، اخفاء و اظهار را کاملاً توضیح دهد و در مورد هر یک، مثال های گوناگونی را با کمک دانش آموزان بیاورد و تمرین کند.

